

نظریه های معنی شناختی واژگانی

دیرک گیرتس، ترجمه کوروش صفوی. تهران، علمی، ۱۳۹۳. چاپ اول، ۶۶۶ صفحه.
دکتر فاطمه راکعی^۱

۱- معرفی و توصیف اثر

الف: مشخصات شناسنامه‌ای اثر

- عنوان کتاب: نظریه‌های معنی شناختی واژگانی

- مؤلف: دیرک گیرتس

- مترجم: کوروش صفوی

- ناشر: نشر علمی

- چاپ اول: ۱۳۹۳

- عنوان اصلی کتاب: Theories of Lexical Semantics

- موضوع: معناشناسی - روش‌شناسی

ب: ساختار کتاب

^۱ دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. fatemehrakei@gmail.com

کتاب از پنج فصل تشکیل شده؛ شامل پیش‌گفتار مترجم، پیش‌گفتار مؤلف، مقدمه، نتیجه‌گیری، کتاب‌نامه و نمایه است، ولی واژه‌نامه ندارد. تعداد ۲۸ نمودار در آن موجود است اما فاقد تصویر و تمرین است.

پ: ویژگی‌های فنی اثر

قطع کتاب، رقعی و مناسب مطالب کتاب است. طرح روی جلد و رنگ آن مناسب است. صحافی و صفحه‌آرایی، خوب و اندازه‌ی قلم مناسب است.

۲- ویرایش ادبی

الف: عدم رعایت صحیح علایم سجاوندی

مشکلات در رعایت علایم سجاوندی، در کتاب زیاد است؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در صفحه ۱۲، سطر چهارم، بعد از «احساس می‌کنم» نقطه ویرگول لازم نیست؛
- در صفحه ۱۲، سطر ششم، بعد از «اگر قرار باشد» ویرگول لازم نیست؛
- در صفحه ۲۹، سر پاراگراف آخر، بعد از «که» ویرگول لازم نیست؛
- در صفحه ۵۵، پاراگراف آخر، سطر دوم، بعد از «دارد» باید ویرگول بیاید، نه نقطه ویرگول؛

- در صفحه ۸۱، پاراگراف اول، سطر سوم، قبل و بعد واژه «کلاسیک» ویرگول آمده، که لازم نیست؛

- در صفحه ۱۴۲، پاراگراف دوم، سطر اول، بعد از «که» ویرگول لازم نیست؛

- در صفحه ۳۰۷، پاورقی، سطر دوم، بعد از واژه «فارسی» باید دو نقطه بیاید، نه نقطه ویرگول.

ب: غلط‌های تایپی

متأسفانه این نوع غلط‌ها در متن قابل ملاحظه است، که به تعدادی از آنها برای نمونه اشاره می‌شود:

- «پیشینه‌اش» باید باشد: «پیشینه‌اش» (ص ۱۵)؛

- «ریشه‌شناسان» باید باشد: «ریشه‌شناسی‌ها» (ص ۳۵)؛

- «ساخت‌گرایان» باید باشد: «ساخت‌گرایان» (ص ۲۰۶)؛

- «بگیرد» باید باشد: «بگیرید» (پاورقی ص ۳۱۳، سطر اول)؛

- «می‌توان» باید باشد: «می‌تواند» (پاورقی ص ۳۱۳، سطر چهارم)؛

- «زیشعور» باید باشد: «ذی‌شعور» (ص ۲۰۸)؛

- «شد است» باید باشد: «شده است» (پاورقی دوم ص ۵۱۴، سطر دوم)؛

- «اندازها» باید باشد: «اندازه‌ها» (ص ۹۷)؛

- «نوی پسری» باید باشد: «نوهی پسری» (ص ۲۰۸)؛
- «آرمان‌گرایی» باید باشد: «آرمان‌گرایی» (ص ۲۸۸)؛
- «آبره‌ژان (Apresjan)» باید باشد: «آبره‌ژان» (ص ۱۴۵)؛
- «آلمانی معنایی کهن» باید باشد: «آلمانی علیای کهن» (ص ۱۳۹)؛
- «تولید کنند» باید باشد: «تولید کننده» (ص ۹۴)؛
- فرم نوشتاری نام خاص «crusca» در پاورقی دو بار در یک صفحه، یک‌بار به صورت «کروز» و بار دیگر به صورت «کروزا» آمده است (ص ۴۴)؛
- نام خاص «Chesnear» در متن به صورت «شسنو» آمده است. (ص ۴۲)؛
- «می‌توانند به نوبه‌ی از دو جنبه برخوردار باشند» باید باشد «می‌توانند به نوبه‌ی خود از دو جنبه برخوردار باشند» (ص ۱۴۸)؛
- «کفش» باید باشد «کنش» (جدول ص ۴۳۴)؛

ب: رعایت قواعد نگارشی - ویرایشی

اثر در مجموع، نیاز به ویرایش ادبی دارد. موارد قابل ذکر در این زمینه عبارتند از:

۱- عدم هماهنگی در رسم الخط؛ برای نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

در حالی که برای مثال، «سکونت‌شان» به این صورت جداگانه نوشته شده، در همان صفحه، «چگونه» سر هم نوشته شده است (ص ۱۹) یا در حالی که «رھیافت» (ص ۲۰) یا «نوساختگرا» سر هم است، «هیچ‌گاه» جدا نوشته شده (ص ۱۶۵).

۲- شیوه نگارش برخی کلمات، در رسم الخط‌های معتبر فارسی پذیرفته نیست؛ برای مثال

- «مسایل» باید نوشته شود: «مسائل» (ص ۱۵)؛

- «ارتقاء» باید نوشته شود: «ارتقا» (ص ۱۵)؛

- «توجه‌ام» باید نوشته شود: «توجهم» (ص ۱۸)؛

- «بیاندازم» بهتر است نوشته شود: «بیندازم» (ص ۲۴۷)؛

- «جزئی» باید نوشته شود: «جزیی» (ص)؛

- «منشاش» باید نوشته شود: «منشاش» (ص ۳۷۶)؛

- «القاء می‌کند» باید نوشته شود: «القا می‌کند» (ص ۱۵۶)؛

- «بیافزاییم» بهتر است نوشته شود: «بیفزاییم» (ص ۱۴۰)؛

- «نشئت» (همزه معمولاً روی الف می‌آید) بهتر است نوشته شود: «نشات» (ص ۱۳۰)؛

۳- وجود بعضی جمله‌های سست و بعضاً متناقض که نیاز به دقت و ویرایش ادبی دارد:

- «زبانها موجودات زنده‌ای‌اند که حیاتشان، حتی اگرچه کاملاً عقلانی است، به هیچ وجه

غیرواقعی نیست و...» (ص ۶۳)؛

- «اگر رهیافت مورد نظر لاینز از کارایی برخوردار می‌بود، باید عکس این مطلب انکارناپذیر می‌بود و هم‌معنایی می‌توانست تکلیف ما را با مسئله‌ی چندمعنایی روشن می‌کرد»؛
- «... ولی کاربردی انتقادی می‌یابد و در معنی «رئیس» کاربرد می‌یابد».
- ۴- عدم یکدستی نگارش در متن؛ برای مثال در صفحه ۲۸، «قاطی شده» که اصطلاحی محاوره‌ای است، با بقیه جمله‌ها سنخیت ندارد.
- عدم توالی زمانی در جمله‌ها: «این همه در شرایطی بود که نایدا در آن ایام، حتی یک بار هم به تحلیل مؤلفه‌ای اشاره نمی‌کند» (ص ۱۶۶).
- ۵- استفاده از واژه‌هایی مثل «گردیدن» به جای «شدن»، که در فارسی امروز رایج نیست. مثال: «... تعیین قطعی حوزه‌های واژگانی ناممکن می‌گردد» (ص ۱۵۷).
- ۶- استفاده از عبارت «لازم به ذکر است» (ص ۲۹۴) که به جای آن «شایان ذکر است» باید به کار برود.
- ۷- نامتداول بودن طرز نگارش برخی کلمات خاص خارجی، جا افتاده در متون علمی فارسی؛ برای مثال
- «هومبلدت» به جای «هومبولت» (ص ۱۶۸)؛
- «وورف» به جای «ورف» (ص ۱۳۰)؛
- «ویلهم دیلتی» که صورت متداول آن «ویلهم دیلتای» است (ص ۵۶)؛

- «جورج میلر» به جای «جرج میلر» (ص ۳۲۶).

۸- **عدم توجه به ضابطه متعارف:** استفاده از واژه «نگارنده»، «مؤلف» یا «مترجم» به جای «من» در متن رعایت نشده است؛ برای نمونه، پاورقی صفحه ۳۵۵ و موارد متعدد دیگر.

۹- **ناهماهنگی در شیوه دادن پاورقی:**

- در حالی که اسامی کوچک افراد در کنار نام فامیل در متن ذکر شده، معادل‌های لاتین آنها در پاورقی عمدتاً به صورت مخفف ذکر شده است؛ برای نمونه، کریس هیلن در پاورقی به صورت «K. Heylen» و چند نام دیگر به همین شکل در پاورقی آمده‌اند (ص ۱۸).

- به‌رغم اینکه برای همه اسامی لاتین در اولین وقوع در متن، فرم لاتین در پاورقی، ذکر شده، در مورد دو نام «ماکس هشت» و «لئو وایزگربر» (ص ۱۲۱) این کار صورت نگرفته است (ص ۱۲۱).

- در برخی موارد برای واژه‌های بسیار ساده معادل لاتین ذکر شده، در حالی که برای بعضی موارد مهم‌تر، معادل در پاورقی نیامده است؛ برای مثال معادل‌های محور همنشینی و محور جانشینی در پاورقی صفحه ۱۴۱ به صورت زیر آمده است:

Paradigmatic Axis

Syntagmatic Axis

- همین‌طور، در صفحه ۱۰۱ برای «تغییر زبانی عمدی» در پاورقی، معادل انگلیسی به صورت «Intentional Linguistic Change» آمده است، که به نظر ضروری نمی‌آید.

- در صفحه ۶۲، صورت لاتین نام‌های «رایزیگ»، «هازه» و «هردگن» در پاورقی نیامده است.

۱۰- نداشتن شیوه یکسان در ارائه پاورقی برای اصطلاحات: درحالی‌که اکثراً معادل‌های انگلیسی، در پاورقی ذکر شده، گاه در داخل متن، واژه انگلیسی در کنار معادل فارسی آمده است؛ برای نمونه

Onomasiology (= بیان‌شناسی) و Semasiology (= مفهوم‌شناسی) (ص ۷۴).

- ذکر معادل‌های ساه انگلیسی واژه‌ها یا عبارت‌های بعضاً ساده (که اصولاً نیازی به پاورقی ندارد) چند بار در پاورقی‌های مختلف.

Historical-philological Semantics (در پاورقی صص ۲۰ و ۳۲).

۱۱- عدم ارائه پاورقی برای برخی اصطلاحات نام‌انوس: برای خواننده فارسی؛ مثل «سیاقه‌الأعداد» (ص ۳۹).

۴- عدم رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی: ظاهراً در شیوه ارجاع‌دهی از شیوه مؤلف پیروی شده است. معمولاً نام انگلیسی کتاب در پاورقی ذکر شده، و سال نشر آن در متن، در کنار ترجمه نام کتاب آمده و شناسنامه کامل کتاب‌ها در کتاب‌نامه ذکر شده است.

۳- تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

الف- تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر اصلی

موارد زیر نکاتی هستند که در خصوص اثر اصلی (نه ترجمه) قابل ذکر است:

۱- کتاب *Theories of Lexical Semantics* اثری جامع است که تحقیقات و دستاوردهای علمی دو قرن در رابطه با معنای واژه را پوشش می‌دهد، همچنین این اثر منابع و پژوهش‌های گسترده بسیاری را مدنظر قرار داده و از آنها بهره برده است. همین ویژگی جامعیت و پراستناد بودن، موجب شده است با اثری مواجه باشیم که از معیارهای علمی به‌خوبی پیروی کرده است، در عین حال، مواردی قابل تأمل و تذکر در آن ملاحظه می‌شود؛ برای مثال اصطلاح «معناشناسی واژگانی» در عنوان کتاب آورده شده و موضوع اصلی کتاب نیز هست، در نتیجه انتظار می‌رود تعریف دقیقی از این اصطلاح در اثر ارائه شود و در حد لازم رویکردهای غیر واژگانی به معناشناسی نیز معرفی شده، تمایز آنها با معناشناسی واژگانی مشخص شود. چنان‌که از عنوان استنباط می‌شود، در معناشناسی واژگانی واحد مطالعه‌ی معنا، «واژه» است؛ با این حال، مطرح کردن این مسئله در کنار رویکردهایی که واحد معنایی را محدود به «واژه» نمی‌دانند و از ساخت‌های بزرگ‌تری نظیر گروه و جمله نیز در مطالعه‌ی معنا استفاده می‌کنند، سودمند به نظر می‌رسد.

۲- کتاب به موضوعات مربوط به حوزه کاربردشناسی پرداخته و استفاده‌ی گیرترس از این مفهوم، تنها محدود به کاربردشناسی در حوزه واژگان است؛ به همین علت، در این اثر به دستاوردها و دیدگاه‌های پژوهش‌گران عمده‌ی این حوزه، نظیر سرل و گرایس اشاره نشده است؛ انتظار این بود که به حوزه کاربردشناختی توجه بیشتری می‌شد و در صورت امکان،

تا جایی که با عنوان و هدف اصلی کتاب هماهنگی داشت، نظریات و مفاهیم مطرح در این حوزه نیز ذکر می‌شدند.

۳- در پایان فصل‌های اول تا سوم، بخشی با عنوان «فراسوی ...» وجود دارد که با بحث و جمع‌بندی مطالب مطرح شده در هر فصل، به نحوی زمینه را برای طرح فصل بعدی آماده می‌کند. این مسئله در ایجاد انسجام منطقی بین فصل‌های کتاب تأثیر مثبت دارد. معذالک، در فصل‌های چهارم و پنجم چنین بخشی ملاحظه نمی‌شود و ارتباط بین این دو فصل از این طریق برقرار نشده است.

۴- فصل سوم به «معناشناسی زایشی‌گرا» اختصاص داده شده و انتظار می‌رود در ابتدا، این فصل با کلیاتی در مورد زبان‌شناسی زایشی-گشتاری آغاز شود؛ رویکرد این معناشناسی به مطالعه زبان مشخص شود سپس به موضوع معناشناسی زایشی‌گرا پرداخته شود اما این فصل پیش از ارائه مقدمه‌ای بر معناشناسی زایشی و چستی آن، مستقیماً به سراغ نظریات کتز و فودور و الگوی معرفی شده از سوی آنها رفته است.

۵- در مجموع، پنج فصل کتاب، تنها اسامی و دیدگاه‌های دو تن از پژوهشگران حوزه معناشناسی، «تریر» در فصل دوم و «کتز» در فصل سوم، ذکر شده است، که این امر بر انسجام و یکدستی مفاهیم و دیدگاه‌ها تأثیر منفی می‌گذارد.

۶- در بخش ۲-۲ که مبحث «نظریه حوزه واژگانی» معرفی شده است، زیربخش ۱-۲-۲ با عنوان «برداشت تریر از حوزه‌های واژگانی» آمده است؛ درحالی‌که اگر قرار بر نقد یا معرفی یک رویکرد باشد، بهتر است دیدگاه‌ها و نظریات عمده و مطرح آن حوزه معرفی شوند و

اسم یک فرد یا دیدگاه خاص در عنوان ذکر نشود. به همین ترتیب، در فصل سوم و مبحث معناشناسی زایشی، شیوه ارائه مطالب به گونه‌ای است که گویا تنها یک پژوهشگر (کتز) در این حوزه فعالیت داشته است.

۷- محتوای مطالب در فصل‌های مختلف به گونه‌ای تدوین شده است که در هر فصل، رویکرد معرفی شده به معناشناسی واژگانی با رویکرد فصل پیش از خود مقایسه شده و وجوه تمایز و تشابه بین آنها شرح داده شده است؛ به عنوان مثال، در فصل دوم، با بخش ۱-۱-۲ با عنوان «رویارویی با معناشناسی تاریخی-فقه‌اللغوی» مواجه‌ایم. به همین ترتیب، در فصل سوم، که به معناشناسی زایشی پرداخته شده است، بخش ۱-۲-۳ با عنوان «رقابت با معناشناسی ساختگرا» را ملاحظه می‌کنیم. بر این مبنا، در فصل چهارم بهتر بود وجوه تمایز رویکردهای معناشناسی نوساخت‌گرا با رویکردهای ساخت‌گرا و زایشی‌گرا، به جای آنکه ذیل عنوان اصلی فصل گنجانده شوند، مانند دو فصل گذشته در قالب یک بخش مجزا سامان یابند.

۸- فصل پنجم که با بیش از ۱۸۰ صفحه، پرحجم‌ترین فصل کتاب نیز هست، چنین ساختاری ندارد، به نحوی که ارتباط این فصل به فصول پیشین و رابطه‌ی معناشناسی شناختی با سایر رویکردهای معرفی شده در رابطه با معناشناسی واژگانی، برجسته نشده و هیچ‌یک از زیربخش‌های آن به صورت مستقیم به این موضوع اختصاص داده نشده است.

در پایان کتاب، بخشی با عنوان «نتیجه‌گیری» وجود دارد. این بخش نسبتاً پرحجم، مشتمل بر ۲۶ صفحه است، که نه با شماره مشخص شده و نه تحت عنوان یک فصل مجزا ارائه

شده است. همین مسئله سبب شده که با نگاهی به فهرست مطالب، بخش نتیجه‌گیری، که فاقد سازمان‌بندی شبیه به سایر فصل‌ها (نظیر بخش و زیر بخش) است، کم‌اهمیت جلوه کند یا از نظر دور بماند.

ب- تحلیل و ارزیابی محتوایی ترجمه اثر

موارد زیر در خصوص ترجمه اثر قابل ذکر است:

۱- در صفحه ۱۳۶ ترجمه که متن وارد مفاهیم منطق صوری می‌شود، بهتر بود در پاورقی، در خصوص مفاهیم اصلی این حوزه، توضیحاتی مقدماتی ارائه می‌شد؛ برای مثال در مورد مفهوم «سور» (=quantifier) یا محمول‌ها (ص ۲۴۵)، همچنین، لازم بود تعریفی از نشانه‌ها در فرمول‌های منطقی ارائه شود (ص ۲۴۵)، گرچه در صفحه ۲۹۸ بخشی با عنوان «پیشنهاد برای مطالعه بیشتر» آمده و عناوین منابعی در این حوزه معرفی شده است؛ اما این امر، نیاز به پاورقی‌های لازم را متفی نمی‌کند.

۴- تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

* بررسی ابعاد آموزشی اثر: موضوع اثر موضوع درسی در دوره‌های دکترا و کارشناسی ارشد نیست ولی برای مطالعه جانبی درس معناشناسی می‌تواند مفید باشد.

* در مجموع، تعداد ۲۸ نمودار، جدول و تصویر در اثر وجود دارد، اما فاقد تمرین است. جدول‌ها یازده مورد، نمودارها یازده مورد، تصاویر سه مورد است و سه مورد ترکیبی از یک جدول و یک نمودار است اما در ذیل همه این موارد واژه «نمودار» ذکر شده است.

* کتاب مرجع خوبی برای پاسخ‌گویی به نیازهای علمی دانشجویان و پژوهندگان علم زبان‌شناسی و معناشناسی است.

* کتاب دارای نظم منطقی است و بخش‌های مختلف آن دارای انسجام است.

* اثر از نظر استحکام تحلیل‌ها و تبیین‌های ارائه شده (با توجه به مبانی و پیش‌فرض‌های علمی و پژوهشی، نقدهای مستند آرا و نظرات مطرح شده و ارائه تحلیل‌های نوین) موفق و قابل استناد است.

* در کاربرد اصطلاحات تخصصی دقت لازم به عمل آمده و برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی خارجی، عمدتاً از معادل‌های جدید و گویا استفاده شده است.

* اصول اخلاقی علمی رعایت شده (زبان، علمی است؛ عناوین منابع مورد استفاده ذکر شده و سوگیری غیرعلمی در اثر وجود ندارد).

* اثر با ارزش‌های اسلامی و ایرانی سازگاری دارد.

* از منابع معتبر و داده‌های روزآمد در کتاب استفاده شده است.

* استفاده از معادل‌های جدید و ارائه پاورقی‌های متعدد (برای تبیین مسائل علمی با ذکر موارد فارسی) از نوآوری‌های کتاب است. معادل‌های فارسی به کار رفته برای واژه‌ها و اصطلاحات انگلیسی عموماً جدید یا انتخاب شده از میان معادل‌های خوب و جا افتاده است؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پژوهانه (ص ۱۸)، زبان‌شناسی گونه‌مدار (ص ۱۸)، گزارش همه‌سونگر (ص ۱۹)، معناشناسی نوساخت‌گرا (ص ۲۱)، دورهٔ پس‌زایشی (ص ۲۱)، معناشناسی زایشی‌گرا (ص ۲۱)، معناشناسی تجزیه‌گرا (ص ۲۴۳)، بدیهیت معنایی (ص ۲۴۴)، منطق محمول‌های مرتبه اول (ص ۲۴۵)، محمول‌مقارن (ص ۲۴۵)، معناشناسی تعبیری (ص ۲۵۸)، فرضیه سطح بنیادین (ص ۳۷۷)، باهم‌آیی، پیش‌نمونه‌ها (ص ۳۷۷)، ردگان (ص ۳۷۷)، همایند (ص ۳۵۰)، تفسیر موجز (ص ۲۷۰).

۵- ارزیابی نهایی اثر

به‌رغم غلط‌های چشم‌گیر املائی و تایپی و اشکالات قابل ملاحظهٔ سجاوندی و کم‌دقتی‌های مربوط به قواعد نگارشی و ویرایشی که برآزندهٔ این اثر علمی نیست، اهتمام مترجم به ترجمهٔ کتابی در مورد معناشناسی واژگانی، که موضوعی نسبتاً جدید و پرداخته نشده در ترجمه‌های موجود در حوزهٔ زبان‌شناسی است و نیز تلاش ایشان در تشریح و تفهیم هر چه بیش‌تر مطالب، از طریق ذکر نمونه‌ها و موارد در زبان فارسی و نهایتاً ارائهٔ کتابی که می‌تواند منبعی قابل اعتماد در حوزهٔ معناشناسی واژگانی باشد، بی‌شک در خور تقدیر و تمجید است. این اثر قابل استفاده به عنوان یک کتاب مرجع برای مطالعات اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان علم زبان‌شناسی، در زمینهٔ واژه‌شناسی و معناشناسی است. بی‌تردید، ویراستاری فنی و ادبی کامل، باعث ارتقای سطح اثر در چاپ‌های بعدی خواهد شد. در ضمن، برای کتابی که دارای تعداد فراوانی از واژه‌ها و اصطلاحات علمی و معادل‌های فارسی قابل‌اعتنا و

نقد نامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷: ۸۶-۷۲

در خور توجه است، واژه‌نامه دوزبانه از ضروریات محسوب می‌شود که امید است در چاپ بعد به کتاب افزوده شود.